

وصیت نامه امام «قدس سره»

واسم مستأثر الهی

آیت الله محمّدی گیلانی



✽ بیان امام قدس سره در مصباح الهدایة در این رابطه و تبیین سعه و ضیق نبوت و خلافت.
 ✽ همه انبیا خلیفه رسول الله اند و ذات اقدس رسول الله، مظهر اسم اعظم و مشفوع با ساعت است و همین است معنای حدیث: «بعثت انا والساعة كهاتین» بلکه آن حضرت خود قیامت است:
 هر که گوید کوفیامت ای صنم خویش بنما که قیامت نک منم

✽ شهود اهل یقین، امور اخروی را در همین نشأه.
 ✽ بیان قرآن در این باره.
 ✽ رؤیت ابراهیم ملکوت را و معنای ملکوت.
 ✽ حدیث لطیف «جزناها وهی خامدة».
 ✽ روایات معراج که در حدّ تواتر است، بیان می کند که رسول الله صلی الله علیه وآله، جهنم را رؤیت کرد و وارد جنت شد و از نهر کوثر نوشید. اینها اموری است که مرتب بر ظهور ساعت اند.



نکات: انظور نیست که می پندارید، اگر با علم یقین بدانید، البتہ دوزخ را خواهید دید، سپس با عین الیقین، آن را رؤیت می کنید.

معنای ملکوت اشیاء

چنانکه ملاحظه می کنید، اجهار و اعلام می کند که هر کس به موهبت علم یقین، ممتاز شود، جحیم و دوزخ را در ممکن غیب، شهود و رؤیت می کند، و ملکوت اشیاء برای او مشهود است و به این مکرمت در باره ابراهیم علیه السلام تصریح می نماید: «وكدلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والأرض وليكون من الموقنين.» (سوره نعام، آیه ۷۵)
 اینچنین ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم ارائه دادیم تا در زمرة موقنین قرار گیرد.
 باید تدبیر کرد که معنی «ملکوت»، وجود اشیاء و ممکنات است از آن حیث و جهتی که به خداوند عزوجل منسوبند و به قومیت حضرتش قائمند و

گفتم که ساعت و قیامت کبری عبارت است از: «رجوع همه امور به مبدأ تعالی» و حقیقت آن، ارتفاع همه تعینات و فناء وجه عبودیت در وجه ربوبیت است که با ظهور وحدت تامه، انجام می گیرد. علم به چنین حقیقتی، همانند علم به اسماء مستأثره، مختص به خدای تعالی می باشد. و روشن است که علم خداوند متعال، به حقیقت ساعت، عین وجود ساعت و قیامت کبری است؛ پس ساعت و قیامت کبری، موجود عندالله است که خواهد آمد، و در وقتش خدای عزوجل آن را آشکار می کند و جنود و هویتهای اکوان خارجی با سطوح نور ربوبی، محو و منطعم می گردند و غبارهای کثرت و ملکی از چهره وحدت و ملکوت، زده می شوند.
 و مع ذلک قرآن کریم تصریح می کند که در همین نشأه ملکوتی، گروهی هستند که قبل از تجلی ساعت و بیرون آمدنش از ممکن غیب، برخی از امور مترتب بر آن را رؤیت می کنند؛ رؤیتی که مستمر است. قال تعالی: «كلا لو تعلمون علم اليقين، لترون الجحيم، ثم لترونها عين اليقين» (سوره

ماهنده یا جبرئیل؟ فقال: هذه شجرة طوبى، قال الله تعالى: [طوبى لهم وحسن مآب].»

(تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر المیزان ج ۱۳ ذیل آیه اول از سوره اسراء)

- رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند پس جبرئیل صعود کرد و من هم با او به سوی آسمان دنیا صعود کرده، بالا رفتم تا آنکه داخل آسمان دنیا شدم، فرشته ای مرا ملاقات کرد که بزرگتر از آن ندیده بودم، به جبرئیل گفتم: این کیست که من از آن ترسیدم؟ گفت: همه ما از آن می ترسیم، این مالک جهنم است. گفتم: آیا امر نمیکنی که جهنم را به من نشان دهد؟ جبرئیل به وی گفت: ای مالک جهنم را به محمد ابراهه کن، او جهنم را برایم مکشوف داشت. صور اخری اعمال پلید و معاصی و جهنمیان را که به انواع عذاب، شکنجه می شدند، مشاهده فرمودند. تا آنجا که فرمودند: سپس به آسمان هفتم صعود کردیم و وارد بیت معمور شدیم و در آنجا دو رکعت نماز انجام دادم آنگاه از آن خارج شدم، پس دو نهر در اختیارم قرار گرفت، یکی به نام «کوثر» و دیگری به نام «رحمت»، از کوثر آشامیدم و از رحمت شستو کردم، و این دو نهر مرا کشانده وارد بهشت شدم، در آنجا خانه های خودم و خانه های اهلیم را در اطراف جنت دیدم و خاک بهشت همچون مشک بود و درخت طوبی را در آنجا مشاهده کردم که شاخه ای از آن در هر منزل از منازل اهل جنت است.

اینها اموری است که وجود آنها مترتب بر ظهور ساعت و قیامت کبری است که رسول الله صلى الله عليه وآله قبل از قیامت ساعت، آنها را مشهود فرموده اند و بنابراین، حدود و تعینات و حجسی که برای ما نسبت به اشیاء است، برای انبیاء و اولیاء صلوات الله عليهم، نسبت. البته با تفاوت درجات و تقاضایی که بین آنهاست و وارث علوم انبیاء عليهم و علیه السلام در مطالب الهدایه در این رابطه چنین می فرمایند:

«ومضى: وكما ان الاسماء المحيطة حاكمة على الأسماء التي تحت حيطتها وقاهرة عليها وكل اسم كانت جامعته وحيطة اكثر كان حكمه اشمل ومحكومه اكثر الى أن ينتهي الأمر الى اسم الله الأعظم الذي يكون محيطاً على الاسماء كلها أزلاً وأبداً ولم يكن حكمه مخصوصاً باسم أو أسماء، كذلك الأمر في المظاهر طابق النعل بالنعل، فإن العالم نقشه ما هي الأسماء الالهية والعلم الربوبي، فعدة دائرة الخلافة والنووة، وصيغها في عالم الملك حسب احاطة الأسماء الحاكمة على صاحبها وشارعها وهذا سر اختلاف الأنبياء عليهم الصلاة والسلام في الخلافة والنووة إلى أن ينتهي الأمر الى مظهر الأسم الجامع الأعظم الالهى، فنكون خلافته باقية دائمة محيطة ازلية ابدية حاكمة على سائر النبوات والخلافات، كما أن الأمر في المظاهر كذلك، فدورة نبوات الانبياء عليهم السلام دورة نبوته وخلافته وهم مظاهر ذاته الشريفة وخلافاتهم مظاهر خلافته المحيطة وهو صلى الله عليه وآله، خليفة الله الأعظم وسائر الانبياء خليفة غيره من

این معنا، معنائی است که شرکت ناپذیر است و از اموری است که مختص به خدای سبحان است، و آن حیثیت همانا حیثیت ربوبی یعنی ملک و تفسیر است که قابل تفویض و تملیک نیست و به عبارتی: حیثیت خلق و ایجاد است. قال تعالى:

«إنا أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون، فسبحان الذى بيده ملكوت كل شيء.»

(سوره یس- آیات ۸۲ و ۸۳)

- چون اراده کند چیزی را بیافریند، همانا فرمانش این است که می گوید: موجود شو، پس موجود می شود. پس منزّه است از هر نقصی، آن خدائی که ملکوت هر چیزی بدست او است. در اینجا آیه دوم، در حقیقت، تبیین کننده قول خدای تعالی یعنی «کن فیکون» است و بیان می کند که کلمه مزبوره، همان ملکوت اشیاء است که برای اهل یقین، مکشوف است.

و در ذیل آیه «وان منكم الا واردها على ربك حتماً مفصلاً» (سوره بقره، آیه ۷۱)، و هیچ یک از شما نیست مگر آنکه وارد جهنم می شود. بر پروردگارت، اجرای این حکم، حتم و لازم است.

آئده است که از ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین سوال شد که: آیا شما هم در عموم این آیه داخل هستید؟ در جواب فرمودند: «غزناها وهي خامدة» یعنی آیه شریفه عمومیت دارد و همه در عموم آن داخلند حتی ما، ولی ما از جهنم عبور کردیم در حالی که آن خاموش بود.

زویت کردن پیامبر، بهشت و جهنم را

در روایات معراج که به طرق متعدد، از فریقین، وارد شده و بحث تواتر رسیده است، تصریح شده که آن حضرت صلى الله عليه وآله، جنت و بهشت را در حوض و کوثر و سایر امور نشاء آخرت را مشاهده فرموده اند و کافى است از صحیح علی بن ابراهیم، نمونه ای در این زمینه نقل کنیم، با احترامات تلخیص و تقطیع لازم، و هر کس که طالب تفصیل است به تفسیر علی بن ابراهیم یا تفسیر المیزان مراجعه کند:

«قال: فصعد جبرئيل وصعدت معه الى السماء الدنيا حتى دخلت السماء السابعة، لقيتني قملك من الملائكة، لم أراهم خلقاً منه، فقلت: من هذا يا جبرئيل فأتى قد فرغت منه؟ فقال: كلنا نخرج منه، أن هذا مالك خازن النار فقلت لجبرئيل: ألا تأمره أن يرضى النار؟ فقال له جبرئيل: يا مالك أرمح النار فكتف عنها غطاءها. الى أن قال: ثم صعدنا الى السماء السابعة، فدخلت البيت المعمور، فصلبت فيه ركعتين، ثم خرجت فانقاد لي نهران، نهر يسمى الكوثر ونهر يسمى الرحمة، فغسرت من الكوثر واغتسلت من الرحمة، ثم انقاد الي جميعاً حتى دخلت الجنة وإذا على حافيتها يونى ويون أهلى وإذا ترابها كالمسك وإذا شجرة لو أرسل كافر في أصلها مادارها سبعائة سنة وليس في الجنة منزل الا وفيه غصن منها، فقلت:

الأسماء المحاطة بل الأنبياء عليهم السلام كلهم خليفته ودعوتهم في الحقيقة دعوة اليه والى نبوته، وآدم ومن دونه نحت لوائه، فمن أول ظهور الملك الى انقضائه وانقهاره نحت سطوع نور الواحد القهار دورة خلافته الظاهرة في الملك.»
قال في وميض آخر: «الأسم الأعظم الالهى الموجود في النشأة الظاهرة جامع لجميع مراتب الأسماء وحقائق الاعيان ويرى الأشياء على ما هي عليها برؤية ذاته ويرى كيفية ارتباطها بالأسماء الالهية ووصولها الى باب اربابها الذي هو حقيفة القيامة الكبرى للأشياء الكونية الخارجية...» حاصل این بیان عرشى این است:

«همچنان که اسماء محیطه «عینی نه لفظی» بر اسماء محاطه، حاکم و قاهر است و هر اسمی که جامعتر است، حکم آن فراگیرتر و محکوم آن بیشتر است تا منتها به اسم اعظم گردد که محیط بر همه اسماء است، همانگونه است شأن مظاهر بدون تفاوت، زیرا عالم نقشه ای است از آنچه در اسماء الهی و علم ربوبی، پس وسعت دائره خلافت و نبوت و تنگنایی آن در عالم ملک و شهادت، طبق سعه و ضیق اسم و ربا اسمائی چند است که خلیفه و پیامبر، محکوم آن یا آنها است و همین است سر اختلاف پیامبران صلوات الله وسلامه عليهم در امر خلافت و نبوت تا آنکه این امر به مظهر اسم اعظم الهی، منتهی گردد که خلافت آنجناب، پاینده و محیط و ازلی و ابدی است و بر همه نبوتها و خلافتها، حاکم است پس دوره نبوتهای انبیاء عليهم السلام دوره نبوت و خلافت آن سرور است و همه آنها مظاهر ذات شریف اویند و خلافتهای آنان مظاهر خلافت محیطه آن حضرت اند، و آن بزرگوار خلیفه الله الاعظم و سایر انبیاء، خلیفه غیر الله، از اسماء محاطه اند، بلکه همه انبیاء عليهم السلام، خلیفه آن سرور و دعوتشان به سوی آن جناب و نبوتش بوده است و همین است تفسیر حدیث: [آدم و من دونه تحت لوائی] پس، از آغاز ظهور عالم ملک تا انقضائه و زوال حدود و تعیناتش با تجلی وحدت قهاره، دوره خلافت ظاهری آن حضرت در عالم ملک است.»

و در آخر وميض قبل از وميض مذکور می فرماید: «... اسم اعظم موجود در نشأه ظاهره - یعنی وجود اقدس رسول الله صلی الله علیه وآله - جامع همه مراتب اسماء و حقائق اعیان است و با رؤیت ذات اقدس خویش، همه اشیا و کیفیت ارتباط آنها را با اسماء الهیه رؤیت می کند، و وصول آنها را به باب اربابشان که همان قیامت کبری اشیا خارجه است، مشهود می نماید...»

و همین است شرح و تفسیر حدیث نبوی صلی الله علیه وآله: «انا والساعة كهاتين» که در پایان مقاله پیشین تفسیر آن را وعده دادم، قابل ذکر است که حدیث مذکور بهمین تعبیر در کتاب بوارق ملکوتیه قاضی سعید قمی علیه الرحمه آمده و راوی اضافه کرده: «واشار الى ابهامی یدیه المبارکین» و در بعضی از تفاسیر ما، طبق تعبیری که در کتب روانی اهل سنت آمده، تعبیر شده است.

مسلم در باب قرب الساعة از صحیح خود از انس بن مالک نقل

می کند: «قال رسول الله صلی الله علیه وآله: بعثت انا والساعة كهاتين، فتن وضم السابة والموسطی.»

(جزء هشتم ص ۲۰۹ - جواب سئوال حاصل بحث آنکه رسول الله صلی الله علیه وآله مظهر اسم اعظم الهی نشأه ظاهر است و همه پیامبران خلیفه اویند و آنجناب فیض اقدس و حجاب اکبر است که واسطه فیض برای همه مستغیضین است و حجاب اشیا نسبت به او مرتفع است، آن سرور و ساعت «كهاتین» مقاربت بلکه آن بزرگوار عین قیامت است: هر که گوید کوفیامت ای صنم پس محمّد صد قیامت بود نقد زاده نایبست احمد در جهان زوفیامت را همی برسیده اند با زمان حال می گفنی بسی درنگرای مسائل محنت زده ورنیاشد اهل این ذکر و فتنوت خویش بنما که قیامت نکند زانک حل شد در فتنای حل و عقد صد قیامت بود او اندر قیامت ای قیامت تا قیامت راه حله که زمحشر حشر را برسد کسی زین قیامت صد جهان افزون شد پس جواب الاحق ای سلطان سکنت ادامه دارد

فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت - شعبه آموزش و پرورش قم واریز و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسدار اسلام (قم - صندوق پستی ۷۷۷) ارسال فرمائید.

تذکره:

- ۱- بهای اشتراک یک سال ۱۲۰۰ ریال، دو سال ۲۴۰۰ ریال است.
- ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانک های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.
- ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته باشید وجه اشتراک را توسط اداره پست بیهه نمائید.
- ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
- ۵- در صورت واریز وجه به بانک، حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجناب نام خانوادگی
شهرستان آدرس
مابلم به مدت سال از شماره
مشترک شوم لذا مبلغ ریال توسط بانک

حساب جاری فوق واریز و فیش بانکی را به پیوست ارسال می دارم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید.